

مجموعه نخستین قانون
دوران جنون، کتاب دوم



دشواری صلح

www.ketab.ir

جو ابرکرومبی
سعید سیموغ

سرشناسه: آبرکرومبی، Joe Abercrombie
 عنوان و نام پدیدآور: دشواری صلح / نویسنده: جو ابرکرومبی؛ مترجم: سعید سیمرغ
 مشخصات نشر: تهران: کتابسرای تندیس، ۱۴۰۳.
 مشخصات ظاهری: ۷۹۲ ص. ۵/۲۱×۵/۲۱، م.م.
 فروست: نخستین قانون.
 سه گانه دوم. دوران جنون؛ کتاب دوم.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۸۲-۹۱۶-۱
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: عنوان اصلی: The trouble with peace, 2020.
 شناسه افزوده: سیمرغ، سعید، ۱۳۵۹ -، مترجم
 رده بندی کنگره: PZ4
 رده بندی دیویی: ۸۲۳/۹۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۹۷۳۱۵۹۶
 اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

www.ketab.ir



دشواری صلح
 نویسنده: جو ابرکرومبی
 مترجم: سعید سیمرغ
 طراح گرافیک: افسانه مسکوگر
 چاپ اول: پاییز ۱۴۰۳
 شمارگان: ۳۰۰
 چاپ و صحافی: یاد چاپ
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۸۲-۹۱۶-۱
 قیمت: ۹۰۰۰۰ تومان

دفتر: تهران، خیابان ولی عصر، نرسیده به خیابان استاد مطهری، خیابان حسینی‌زاد، پلاک ۱۰ واحد ۲
 کتابفروشی: تهران، خیابان ولی عصر (عج)، نرسیده به خیابان استاد مطهری، شماره ۱۹۷۷
 تلفن: ۰۲۱۸۸۸۹۲۹۹۱۷ - ۰۲۱۸۸۹۱۳۸۷۹
 www.tandispub.com

تمام حقوق محفوظ است. هیچ بخشی از این کتاب، بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر، قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی، از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا نیست. این اثر تحت پوشش قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست بزرگان

افراد نجیب سرزمین های متحد
اعلا حضرت والا مرتبه شاه اورسوی اول: پادشاه بی میل سرزمین های متحد که در زمان
ولیعهدی او را حیف نانی بدنام می داشتند.
علیا حضرت والا مرتبه ترز: ملکه ی بیوه و مادر پادشاه سرزمین های متحد.
هیلدی: کلفت و پادوی ولیعهد اورسو که قبلاً رختشوی عشرتکده بود.
تانی: گروه بان سابق تانی که وقتی اورسو ولیعهد بود در نقش دلال محبت و شریک
میگساری های ولیعهد خدمت می کرد.
یولک: نوجه ی ابله تانی.
برمر دن گورست: استاد شمشیرزنی جیرجیرویی که زمانی محافظ شاه جیزال بود و
حالا محافظ شاه اورسو شده است.
استاد اعظم سند دن گلوکتا: چلاق پیر، ترسناک ترین مرد در سرزمین های متحد،
رئیس انجمن مهتران و اداره ی اطلاعات و بازجویی سلطنتی.
فرمانده پایک: دست راست استاد اعظم گلوکتا با چهره ای که به شکل بد ترکیبی
سوخته.
سخنگو هاف: رئیس خودپسند دربار و پسر لرد هاف پیشین.

صدر اعظم گروتس: مردی که مدت هاست وظیفه‌ی بسته نگه داشتن سر کیسه‌ی سرزمین‌های متحد را بر عهده دارد.

عالمجناب قاضی بروکل: رئیس قوه‌ی قضاییه‌ی سرزمین‌های متحد با ظاهری دارکوب مانند.

مشاور ارشد متسترینگر: ناظر عصبی سیاست خارجی سرزمین‌های متحد.

لرد مارشال برینت: سرباز ارشد و دوست یک دست پدر اورو.

لرد مارشال روکستند: سرباز ارشد و علاقه‌مند به ریش و تعریف کردن داستان‌های طولانی، شوهر تیلده دن روکستند.

سرهنگ فارست: افسری سخت‌کوش که از مردم معمولی برخاسته و جای زخم‌های تأثیرگذاری دارد و فرماندهی لشکر ولیعهد را برای اورو به عهده دارد.

لرد آیشر: نجیب‌زاده‌ی چرب‌زبان و موفق انجمن همگان.

بانو ایزولد دن کاسپا: وارث بی‌نمک خاندانش که برای ازدواج با لرد آیشر نامزد کرده.

لرد برزین: نجیب‌زاده‌ی لوده‌ی انجمن همگان.

لرد هیوگن: نجیب‌زاده‌ی فضل‌فروش انجمن همگان.

لرد وترلانت: نجیب‌زاده‌ی خوش‌چهره‌ی انجمن همگان که گویی چیزی در چشم‌هایش کم است.

بانو وترلانت: مادر خشن و ترسناک لرد وترلانت.

لرد استیبلینگ: از نجیب‌زادگان جزء مبتلا به نفرس و خیلی جوشی.

حلقه‌ی ساوین دن گلوکتا

ساوین دن گلوکتا: دختر استاد اعظم سند دن گلوکتا و آردی دن گلوکتا، سرمایه‌گذار، فعال اجتماعی، معروف به زیبایی و بنیان‌گذار انجمن خورشیدی همراه با هونریگ کرنزیک.

زوری: بانوی همراه بی‌همتای ساوین و یکی از پناهندگان جنوب.

فرید: یکی از جامه‌دارهای بی‌شمار ساوین.

متیلو: متخصص کلاه‌گیس‌های ساوین با چهره‌ای خشن.

آردی دن گلوکتا: مادر ساوین که به زبان تند و تیزش معروف است.

هارون: برادر تنومند زوری.

زیبیک: برادر لاغر و خوش چهره‌ی زوری.

گونار «بول» براد: نردبان‌دار سابق جنگ با گرایش به خشونت که تازه از استیریا برگشته. شوهر لیدی براد و پدر می براد.

لیدی براد: همسر ستم‌کش گونار براد و مادر می براد.

می براد: دختر کله‌شق گونار و لیدی براد.

تیرمن: سرباز سابق مغرور و خودنما که با براد کار می‌کند.

هالدر: سرباز سابق کم‌حرف که با براد کار می‌کند.

هونریگ کیرزنیک: ماشین‌ساز بزرگ، مخترع و صنعتگر معروف و بنیان‌گذار انجمن خورشیدی همراه با ساوین دن گلوکتا.

دایتام دن کورت: مهندس برجسته و پل‌ساز که در یک آبراهه با ساوین شریک است.

سیلست دن هیوگن: رفیق سرسخت ساوین.

کاسپار دن آرینهورم: متخصص پمپ کردن آب از معادن با رفتاری آزاردهنده.

تیلده دن روکستد: همسر دهن‌لق لرد مارشال روکستد.

اسپیلیون شوئربرگ: نویسنده‌ی داستان‌های خیالی کم‌ارزش.

کارمی گروم: هنرمندی با استعداد.

وستپورت و سپانی، شهرهای استیریا

ویکتارین (ویک) دن تیوفل: محکوم سابق، دختر رئیس مخلوع ضرابخانه‌ی سلطنتی که حالا بازپرس اداری اطلاعات و بازجویی سلطنتی است و برای استاد اعظم کار می‌کند.

تالو: شکننده‌ای لاغرمردنی که با اخاذی مجبور شده با ویک همکاری کند.

شاه جاپو مون روگانت مورکاتو: پادشاه استیریا.

دوشس کبیر مونزکارو مورکاتو: افعی تالینز، مادر شاه جاپو، فرمانده‌ای ترسناک و سیاستمداری بی‌رحم، عامل اتحاد استیریا.

شایلو ویتاری: وزیر زمزمه‌ها که زمانی همکار سند دن گلوکتا بود و حالا رئیس جاسوسان افعی تالینز است.

کازامیر دن شکنت: آدم‌کشی بدنام که شایعه‌ها می‌گویند قدرت‌های جادویی دارد. شاهدخت کارلوت: خواهر خوش‌قلب شاه اورسو و همسر صدر اعظم سوتوریوس. صدر اعظم سوتوریوس: حاکم فعلی سپانی.

گنتس شالپر: دوست تبعیدی دوران کودکی ملکه ترز (که بعضی‌ها چیزهای دیگری هم درباره‌ی او می‌گویند).

فرمانده لارسن: فرمانده بی‌خاصیت اداره‌ی اطلاعات و بازجویی در وستپورت.

فیلیو: قانون‌گذار ارشد وستپورت و از علاقه‌مندان به شمشیرزنی.

سندرز روسیمیش: قانون‌گذار جزء وستپورت و فتنه‌گری مغرور.

دایپ موزولیا: تاجر پارچه و از افراد تأثیرگذار در سیاست وستپورت.

شکندگان و سوزاندگان

ریسیناو: فرمانده سابق والک، جبهه‌ی پشت پرده‌ی خیزش خشونت‌بار شهر که بعداً معلوم شد رهبر شکندگان است.

قاضی: مسئول نامتعادل کشتار جمعی یا قهرمان سهمگین مردم عوام، که بستگی دارد از چه کسی بپرسید، رهبر سوزاندگان.

سارلبای: هم‌رزم سابق گونار براد که حالا یک سوزانده شده است.

در سرزمین شمالی

استور شبانگاه: گرگ کبیر، پادشاه شمالی‌ها، جنگجویی مشهور و یک آشغال‌کله‌ی عوضی.

کالدور سیاه: قدرت واقعی در سرزمین شمالی و پدر زیرک استور شبانگاه.

سبزه‌راه: یکی از مردان نام‌آور استور شبانگاه که پوزخندزنی حرفه‌ای است.

رقاص: یکی از مردان نام‌آور استور شبانگاه که پاهای چابکی دارد.

برود ساکت: یکی از مردان نام‌آور کالدور سیاه که ظاهراً زیاد اهل حرف زدن نیست.

جوناسی شبدری: زمانی او را جوناس دشت نورد می نامیدند و جنگجوی معروفی می دانستند، هرچند حالا به چشم بی کاره ای می بینند که به کسی وفادار نیست.

سرازیر: یکی از جنگجوهای زیردست شبدری که عادت بدی به کشتن افراد خودی دارد.

شولا: دیدبان شبدری و زنی که می تواند پنیر را خیلی نازک ببرد.

فلیک: جوانکی ظاهراً بی عرضه بین افراد شبدری.

گرگون کله پوک: رئیس قبیله ی دشت های غربی و پدر نیل.

نیل: پسر گرگون کله پوک و جنگجویی ترسناک.

منطقه ی تحت الحمايه

داگمن: رئیس آفریت و یک فرمانده جنگی بزرگ و پدر ریکه.

ریکه: دختر داگمن که دچار صرع است و به نعمت یا لعنت چشم بلند گرفتار شده. اسمش هم قافیه با چیکه است.

ایسرن ای فیل: زن کوه نشین نیمه دیوانه ای که هرگز بلند نمی رود و روش ها را بلد است.

مین ای فیل: یکی از بسیار برادران ایسرن که چندان از خود او عاقل تر نیست.

کاؤل شیورز: یکی از ترسناک ترین مردان شمال که چشمی فلزی دارد.

کلاه سرخ: یکی از فرماندهان جنگی زیردست داگمن که او را به خاطر کلاه سرخش می شناسند.

آکسیل: یکی از فرماندهان جنگی زیردست داگمن که او را به خاطر اخلاق بدش می شناسند.

خشکه نان: یکی از فرماندهان جنگی زیردست داگمن که او را به خاطر بلاتکلیفی اش می شناسند.

کورلت: دختری جریزه دار که دوست دارد برای ریکه بجنگد.

آنگلند

لیودن براک: شیر جوان، فرماندار آنگلند، جنگجویی بی پروا و قهرمانی مشهور، پیروز میدان در نبرد تن به تن با استور شبانگاه.

فینری دن براک: مادر لیودن براک با توانایی برنامه ریزی جنگی و سازمان دهی برتر. جوراند: بهترین دوست لیودن براک، مردی حساس و حسابگر.

گلاوارد: دوست لیودن براک که به شکلی استثنایی درشت هیكل است.

آتاوپ: دوست لیودن براک که او را به خاطر زن بارگی اش می شناسند.

جین سفیدآب: دوست لیودن براک و شمالی ای خوش مشرب.

لرد ماسترد: یکی از بلند پایگان پیر آنگلند با ریش و بدون سبیل.

لرد کلنشر: یکی از بلند پایگان پیر آنگلند با سبیل و بدون ریش.

فرقه ی ساحران

بیاز: نخستین ساحران، جادوگر اسطوره ای، نجات بخش سرزمین های متحد و مؤسس انجمن مهتران.

یورو سلفر: شاگرد سابق بیاز، مردی که ظاهر خاصی به جز چشم های ناهم رنگش ندارد.

خالول فرستاده: دومین ساحران سابق و حالا بزرگ ترین دشمن بیاز. شایعه ها می گویند به دست اهریمنی کشته شده که جنوب را به هرج و مرج کشانده.

کاونیل: سومین ساحران که سرش به کارهای مرموز خودش گرم است.

زاخاروس: چهارمین ساحران که امورات امپراتوری کهن را می گرداند.